



تحقیقاً کسانی که ایمان آوردند و آنها که مهاجرت کرده و در راه خدا به نبرد و جهاد به پاخواستند به رحمت و بخشایش خدا چشم می‌دوزند. یعنی: شایسته هستند که مشمول فضل و بخشش پروردگار قرار گیرند.

آیه ترغیبی است برای مسلمین، که در کسب ایمان و هجرت و جهاد در راه خدا بکوشند و مجاهدان در این مقصد و هدف را تقدیر و تمجید می‌کند.

### [در بیان شأن نزول آیه]

شأن نزول آیه را مربوط به عبدالرحمن جحش دانسته‌اند؛<sup>۱</sup> که در وادی نخله با یاران خود به دشمنان خداتاخت و تاز بیاورد و در راه دین و مکتب وحی جانبازی نمود و چون برخی از مردم نسنجیده می‌گفتند: که اگر فرضاً بر اثر اشتباه و اقدام به جنگ در ما حرام ایشان را معصیتی نباشد، پاداش و ثوابی به کارزار آنان با دشمن مترتب نیست، یا برخی در اجر و مزد اخروی ایشان شك و تردید می‌نمودند، لذا آیه نازل شد: که آنها را آرزو و چشم داشت مزد و پاداش است از جانب خداوند، به ویژه که اقدامشان به نبرد بر اثر تصور روز آخر ماه جمادی الآخر بوده، نه اول ماه رجب، ضمناً باید توجه داشت که آیه تنها مربوط به عبد الرحمن و یاران او نیست، بلکه تا روز قیامت نظایر و مشابه آن در همه جا و همه وقت صادق و پابرجا است و در پایان برای تأکید بیشتر فرموده:

﴿وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ﴾ (۲۱۸).

و خداوند آمرزنده مهربان است. از خطا و اشتباه درمی‌گذرد و [نسبت] به نیات نیک و کردار پسندیده و جانبازی در راه حق بخشنده و مهربان است.

\*\*\*

﴿يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْخَمْرِ وَالْمَيْسِرِ قُلْ فِيهِمَا إِثْمٌ كَبِيرٌ وَمَنَافِعُ لِلنَّاسِ وَإِثْمُهُمَا أَكْبَرُ مِن نَّفْعِهِمَا وَيَسْأَلُونَكَ مَاذَا يُنْفِقُونَ قُلِ الْعَفْوَ كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ الْآيَاتِ لَعَلَّكُمْ تَتَفَكَّرُونَ﴾ (۲۱۹).

تو را از شراب و قمار می‌پرسند، بگو: در این دو گناهی بزرگ است و سودهائی

۱. تفسیر التبیان، ج ۲، ص ۲۰۹.

برای مردم ولی گناه آن دو بزرگتر از نفع آنها است و از تومی پرسند که چقدر انفاق کنند، بگو: زیادی و سرآمد را [یا اعتدال و میانه را] این گونه خداوند آیات را برای شما بیان می کند باشد که اندیشه به کار برید.

﴿فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَيَسْأَلُونَكَ عَنِ الْيَتَامَىٰ قُلْ إِصْلَاحٌ لَّهُمْ خَيْرٌ وَإِنْ تُخَالِطُوهُمْ فَإِخْوَانُكُمْ وَاللَّهُ يَعْلَمُ الْمُفْسِدَ مِنَ الْمَصْلِحِ وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ لَاعْتَمَكُمُ الْيَتَامَىٰ وَاللَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ﴾ (۲۲۰).

در امور این جهان و سرای پسین و تورا از [مال] یتیمان می پرسند، بگو: سامان دادن و بهبود بخشیدن برای ایشان بهتر است و اگر شما با آنان پیوند و آمیزش کنید. پس برادران شما هستند و خداوند تبه کار را از نیکو کار باز شناسد. و اگر خدای می خواست شما را به رنج و زحمت می انداخت، تحقیقاً خداوند چیره است و درستکار.

## لغت

«خمر»: مایع مست کننده و در لغت به معنای پوشاندن و مستور نمودن است و چون خورنده ماده مسکر عقل و شعور خود را در تشخیص نیک و بد و زشت و زیبا مستور می سازد، وجه تسمیه آن به خمر مناسب است.

«میسر»: در لغت به معنای «قمار» و قمار باز را [یاسر] گویند، که ریشه آن از «یسر» به معنای آسانی است زیرا، مال خود و مردم را به آسانی و بدون کسب و کار از دست می دهد، یا به چنگ می آورد.

«اثم»: گناه.

«عفو»: بخشیدن، درگذشتن، محو اثر کردن، اضافه و سر آمد، میانه روی و اقتصاد، که دو معنای اخیر در آیه مناسبت است.

«مفسد»: تبه کار، نابود کننده.

«مصلح»: نیکوکار، سامان بخش.

«خلط»: آمیختن، آمیزش، رفت و آمد و مباشرت.

«عنت»: مشقت، رنج، به زحمت افتادن.





### [کفّ نفس نسبت به برخی نواهی و اوامر]

در آیه قبل از هجرت و جهاد در راه خدا توام با ایمان - که مستلزم صبر و شکیبائی و در نتیجه رسیدن به اجر و ثواب نیکو است، سخن برفت. در این جا گفتار از کفّ نفس و بردباری در برابر برخی نواهی و اوامر الهی است چون آلودگی به شراب و قمار، یا وظیفه پرداخت و هزینه کردن بخشی از اموال و دارائی در موارد ضروری و مستحب و پیدا است که اتیان منکر و یا ترك معروف به عذاب و عقاب توعید است. بنابراین توجه در این دو آیه موجب تشدید حالت خوف و رجاء شده و در نتیجه بهتری می توان نسبت به انجام تکالیف و وظایف تشریحی پروردگار پایداری و استقامت ورزید. باری فرمود:

﴿يسألونك عن الخمر والميسر﴾ (۲۱۹).

تو را می پرسند از هو نوع مایع سُکراور و قمار.

یعنی: از حکم آشامیدن مشروبات مست کننده و هر قسم بازی قمار که از نظر شرع چگونه است و چه حکمی دارد.

﴿قل فيهما إثم كبير و منافع للناس و إثمهما أكبر من نفعهما﴾.

بگو: در این دو گناهی بزرگ است و سود هائی برای مردمان، ولی گناهش فزونتر از سود آن دو است و تصریح به گناه بیان کننده حرمت این دو است به ویژه که ارتکاب آن را در برابر نفع حاصله چه عقلانی و چه غیر عقلانی گناهی عظیم تر شمرد و زیان را شدیدتر به حساب آورد و برابر قاعده کلی، هر چه را که در آن زیان پیش از سود است اجتناب از آن قطعی و ضروری است.

### [اشاره به تحریم خمر و میسر]

و برابر حدیثی<sup>۱</sup> می توان تحریم این دو را از آیه دیگر که در آن ارتکاب اثم، محرّم

۱. و عنه: عن بعض أصحابنا، مرسلًا، قال: «إن أول ما نزل في تحريم الخمر، قول الله جل و عز: ﴿يسألونك عن الخمر و الميسر قل فيهما إثم كبير و منافع للناس﴾ فلما نزلت هذه الآية أحس القوم بتحريمها و تحريم الميسر و الأنصاب و الأزلام، و علموا أن الإثم مما ينبغي اجتنابه، و لا يحمل الله عز و جل عليهم من كل طريق لأنه



### [کفّ نفس نسبت به برخی نواهی و اوامر]

در آیه قبل از هجرت و جهاد در راه خدا توام با ایمان - که مستلزم صبر و شکیبائی و در نتیجه رسیدن به اجر و ثواب نیکو است، سخن برفت. در این جا گفتار از کفّ نفس و بردباری در برابر برخی نواهی و اوامر الهی است چون آلودگی به شراب و قمار، یا وظیفه پرداخت و هزینه کردن بخشی از اموال و دارائی در موارد ضروری و مستحب و پیدا است که اتیان منکر و یا ترک معروف به عذاب و عقاب توعید است. بنابراین توجه در این دو آیه موجب تشدید حالت خوف و رجاء شده و در نتیجه بهتری می توان نسبت به انجام تکالیف و وظایف تشریحی پروردگار پایداری و استقامت ورزید. باری فرمود:

﴿يسألونك عن الخمر والميسر﴾ (۲۱۹).

تو را می پرسند از هو نوع مایع سُکراور و قمار.

یعنی: از حکم آشامیدن مشروبات مست کننده و هر قسم بازیِ قمار که از نظر شرع چگونه است و چه حکمی دارد.

﴿قل فيهما إثم كبير و منافع للناس و إثمهما أكبر من نفعهما﴾.

بگو: در این دو گناهی بزرگ است و سود هائی برای مردمان، ولی گناهیش فزونتر از سود آن دو است و تصریح به گناه بیان کننده حرمت این دو است به ویژه که ارتکاب آن را در برابر نفع حاصله چه عقلانی و چه غیر عقلانی گناهی عظیم تر شمرد و زیان را شدیدتر به حساب آورد و برابر قاعده کلی، هر چه را که در آن زیان پیش از سود است اجتناب از آن قطعی و ضروری است.

### [اشاره به تحریم خمر و میسر]

و برابر حدیثی<sup>۱</sup> می توان تحریم این دو را از آیه دیگر که در آن ارتکاب اثم، محرّم

۱. و عنه: عن بعض أصحابنا، مرسلًا، قال: «إن أول ما نزل في تحريم الخمر، قول الله جل و عز: ﴿يسألونك عن الخمر و الميسر قل فيهما إثم كبير و منافع للناس﴾ فلما نزلت هذه الآية أحس القوم بتحريمها و تحريم الميسر و الأنصاب و الأزلام، و علموا أن الإثم مما ينبغي اجتنابه، و لا يحمل الله عز و جل عليهم من كل طريق لأنه

است دریافت. آنجا که در آیه فرمود:

﴿قُلْ إِنَّمَا حَرَّمَ رَبِّي الْفَوَاحِشَ مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَمَا بَطَنَ وَالْإِثْمَ وَالْبَغْيَ بِغَيْرِ الْحَقِّ﴾

(اعراف (۷): ۳۳)



### [آیات تحریم خمر به ترتیب]

در قرآن آیاتی چند نسبت به معنی خمر نزول یافته که:

نخستین آن را برخی از مفسرین آیه:

﴿وَمِنْ ثَمَرَاتِ النَّخِيلِ وَالْأَعْنَابِ تَتَّخِذُونَ مِنْهُ سَكَرًا وَرِزْقًا حَسَنًا﴾ (نحل (۱۶): ۶۷)

دانسته اند.

چه، روزی نیکو در برابر رزق غیر نیکو قرار گرفته و روشن است که باید از روزی

ناپسند و غیر حسن احتراز نمود.

### [ارتکاب در هر يك از خمر و میسر گناهی بزرگ]

**آیه دوم:** آیه مورد بحث است که استعمال هر يك را خداوند گناهی بزرگ قلمداد

می کند. و پیدا است که در گناهان بزرگ حرمت و منع ارتکاب امری قطعی است.

### آیه سوم را:

﴿وَمَنْ يَتَّبِعِ الْآيَاتِ الْكُوفِرَاتِ سَاءَ مَا يَحْكُمُ اللَّهُ عَلَيْهِ﴾ (مائدة (۵): ۹۰) فكانت هذه الآية أشد من الأولى وأغلظ في التحريم. ثم ثلث بآية أخرى، فكانت أغلظ من الأولى والثانية [وَأَشَدُّ]، فقال الله عز وجل: ﴿إِنَّمَا يَرِيدُ الشَّيْطَانُ أَنْ يُوقِعَ بَيْنَكُمُ الْعَدَاوَةَ وَالْبَغْضَاءَ فِي الْخَمْرِ وَالْمَيْسِرِ وَيَصُدَّكُمْ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَعَنِ الصَّلَاةِ فَهَلْ أَنْتُمْ مُنتَهُونَ﴾ (مائدة (۵): ۹۱) فأمر الله عز وجل باجتنابها، وفسر عللها التي لها ومن أجلها حرمتها. ثم بين الله عز وجل تحريمها وكشفه في الآية الرابعة مع ما دل عليه في هذه الآي المذكورة المتقدمة، بقوله عز وجل: ﴿قُلْ إِنَّمَا حَرَّمَ رَبِّي الْفَوَاحِشَ مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَمَا بَطَنَ وَالْإِثْمَ وَالْبَغْيَ بِغَيْرِ الْحَقِّ﴾ (اعراف (۷): ۳۳).

وقال الله عز وجل في الآية الأولى: ﴿يَسْتَلُونَكَ عَنِ الْخَمْرِ وَالْمَيْسِرِ قُلْ فِيهِمَا إِثْمٌ كَبِيرٌ وَمَنَافِعُ لِلنَّاسِ﴾ ثم قال في الآية الرابعة: ﴿قُلْ إِنَّمَا حَرَّمَ رَبِّي الْفَوَاحِشَ مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَمَا بَطَنَ وَالْإِثْمَ﴾. فخبر عز وجل أن الإثم في الخمر وغيرها، وأنه حرام، وذلك أن الله عز وجل إذا أراد أن يفترض فريضة، أنزلها شيئاً بعد شيء حتى يوطن الناس أنفسهم عليها، ويسكنوا إلى أمر الله جل وعز ونهيه فيها، وكان ذلك من [فعل] الله عز وجل على وجه التدبير فيهم أصوب وأقرب لهم إلى الأخذ بها، وأقل لنفاهم عنها». الكافي، ج ۶، ص ۴۰۶، ح ۲؛ تفسير البرهان، ج ۱، ص ۴۵۵، ح ۲/۱۱۱۲.



﴿يا أيها الذين آمنوا لا تقربوا الصلاة وأنتم سكارى حتى تعلموا ما تقولون﴾ (نساء: ۴۳: ۴).

دانسته و در شأن نزول آن گفته اند: که یکی از مسلمین به هنگام نماز بعد از «حمد» سوره «کافرون» می خواند، که در حال مستی به جای: ﴿لا اعبد ما تعبدون﴾ (کافرون ۱۰۹: ۲) عبارت ﴿اعبد ما تعبدون﴾ قرائت کرد.

گرچه تصریح در آیه نهی از خواندن نماز به حالت مستی است ولی مفهوم تجویز مستی و حالت سکر در غیر نماز نیست، بلکه جمله: ﴿حتى تعلموا ما تقولون﴾ کاملاً رسا است که در غیر نماز نیز مورد منع است، چه، آدمی در هر حال که باشد، باید سخن خودش را دانسته و سنجیده ادا کند و این معنا مستلزم به کار بستن شعور و عقل است و اگر کسی به دست خود و با صرف مشروبات الکلی عزیزترین و گرامی ترین نعمت الهی را که تمامی حرمت او به او است محترم نشمرد و نور درک و فهم را خاموش و بی اثر ساخت، بزرگترین ناسپاسی را به درگاه حق به جا آورده، که بر اثر این گناه و بی حرمتی سزاوار هر گونه توبیخ و عقاب و لعن و طرد است.

مع الوصف برخی از مردم نادان و هوسباز را عقیده این شد که صرف خمر در غیر نماز مورد منع نیست و برحسب نقلی از عامه سعد بن ابی وقاص هنگامی به حال مستی اشعاری به صورت هجو و طعن آمیز درباره انصار می سرود. عمر در آنجا بود دست به دعا برداشت که: بار خدایا، درباره خمر برای ما به طور شافی و کافی حکمی

۱. فأنزل الله تعالى: ﴿يا أيها الذين آمنوا لا تقربوا الصلاة وأنتم سكارى﴾ (نساء: ۴۳: ۴) الآية، فحرم السكر في أوقات الصلوات، فلما نزلت في هذه الآية تركها قوم، وقالوا: لا خير في شيء يحول بيننا وبين الصلاة، وتركها قوم في أوقات الصلاة، وشربوها في غير حين الصلاة حتى كان الرجل يشرب بعد صلاة العشاء فيصبح وقد زال عنه السكر، ويشرب بعد الصبح فيصحو إذا جاء وقت الظهر، ودعا عتبان بن مالك رجلاً من المسلمين فيهم سعد بن أبي وقاص وكان قد شوي لهم رأس بعير، فأكلوا منه وشربوا الخمر حتى سكروا منها، ثم إنهم افتخروا عند ذلك وانتسبوا وتناشدوا الأشعار، فأنشد سعد قصيدة فيها هجاء الأنصار وفخر لقومه، فأخذ رجل من الأنصار لحى البعير فضرب به رأس سعد فشججه موضحة، فانطلق سعد إلى رسول الله ﷺ وشكا إليه الأنصاري فقال عمر: اللهم بين لنا رأيتك في الخمر بيانا شافيا، فأنزل الله تعالى: ﴿إنما الخمر والميسر﴾ الآية. بحار الأنوار، ج ۲۰، ص ۱۸۴.

بیان فرما، تا مسلمین را قضاوت روشن و ابهامی باقی نماند.

آیه ذیل نازل شد که:

﴿يا أيها الذين آمنوا إنما الخمر والميسر والأنصاب والأزلام رجس من عمل الشيطان فاجتنبوه لعلكم تفلحون﴾ (مائده(۵): ۹۰).



جز این نیست که می و قمار و انصاب [قربانی برای بتان] و ازلام [نوعی قمار یا بخت آزمائی و لاتار بوده است به این طریق که شتری رانحر و گوشت آن را به ۲۸ بخش مساوی تقسیم می کردند آن گاه همه را به ده سهم متزاید از يك تا هفت به نام های مختلف شماره گذاری کرده و دسته های باقی مانده، سفید و به اصطلاح پوچ قرار می گرفت، سپس ده سهم را میان ده نفر قرعه کشی و به هفت نفر از يك تا هفت سهم می رسید و به سه نفری که قرعه سفید و پوچ اصابت می کرد، بر حسب قرار و تعهد قبلی می بایست مبلغ و قیمت شتر را پردازند] پلیدی است از عمل و کردار شیطان است بنابراین آن را دوری کنید باشد که درستکار شوید.

### [در بیان علت تحریم خمر]

سپس برای علت تحریم به دنبال فرماید:

﴿إنما يريد الشيطان أن يوقع بينكم العداوة والبغضاء في الخمر والميسر ويصدكم عن ذكر الله وعن الصلاة فهل أنتم متتهون﴾ (مائده(۵): ۹۱).

یقیناً شیطان می خواهد که میان شما در امر شراب و قمار سرکشی و دشمنی بیفکند و شما را از یاد خدا و نماز باز بدارد، پس آیا پایان می دهید و باز می ایستید.

در این آیه تحریم نوشیدن شراب و بازی قمار از مواردی [دلایلی] چند که در آیه است بسیار روشن و قطعی است.

### [اشاره به دلایل تحریم خمر]

۱. اطلاق رجس و پلیدی.

۲. عمل شیطانی.



۳. فرمان دوری و اجتناب .

۴. بیان عللی که موجب منع است .

۵. توبیخ و سرزنش در ادامه و ارتکاب، که به صورت استفهام انکاری و استعجاب در آخر آیه آمده و به خوبی گویای تحریم است، که: ﴿فهل أنتم منتهون﴾ می‌رساند: که خجالت نمی‌کشید و شرم نمی‌دارید، که به این رفتار زشت خاتمه دهید؟ نقل است هنگامی که این آیه نازل شد عمر گفت: «انتھینا یا رب» خداوندا پایان دادیم<sup>۱</sup>.  
ضمناً باید یاد آور شد، که مضار و صدمات روحی و جسمی این دو سم مهلك و خانمان سوز از نظر اخلاقی، اجتماعی، بهداشتی، روانی، اثر در نسل و ژن‌ها و جهات اقتصادی در کتب مربوطه مدون و مضبوط بوده و علاقمندان می‌توانند به هر یک مراجعه کنند.

آری مطلبی که باید توجه داشت، این که تنها زیان و خسارت حاصله از این دو بلای زهرآگین مربوط به زندگی این سران نیست، بلکه عوالم بعدی یعنی: برزخ و قیامت را شامل است.

باری، چون آلودگی به این دو عمل زشت و نکوهیده یعنی: شراب و قمار، نوعاً در طبقه ثروتمند و متمکن و یا مسرف و خوش گذران که مصداق:

۱. الزمخشری في ربيع الأبرار: أنزل الله تعالى في الخمر ثلاث آيات: ﴿يسئلونك عن الخمر والميسر﴾ فكان المسلمون بين شارب و تارك إلى أن شربها رجل، فدخل في الصلاة فهجر، فنزلت: ﴿يا أيها الذين آمنوا لا تقربوا الصلاة و أنتم سكارى﴾ فشربها من شرب من المسلمين، حتى شربها عمر، فأخذ لحي بعير، فشح رأس عبد الرحمن بن عوف، ثم قعد ينوح على قتلي بدر بشعر الأسود بن يعفر، فبلغ ذلك رسول الله ﷺ فخرج مغضباً يجر رداءه، فرفع شيئاً كان في يده ليضربه، فقال: أعوذ بالله من غضب الله و غضب رسوله، فأنزل الله سبحانه و تعالى: ﴿إنما يريد الشيطان﴾ إلى قوله: ﴿فهل أنتم منتهون﴾ (مائده: ۵) (۹۱: ۹۱) فقال عمر: انتھینا.

– عن حارثة بن مضرب قال: قال عمر رضي الله عنه: اللهم بين لنا في الخمر. فنزلت: ﴿يا أيها الذين آمنوا لا تقربوا الصلاة و أنتم سكارى حتى تعلموا ما تقولون﴾. الآية. فدعا النبي ﷺ عمر فتلاها عليه فكأنها لم توافق من عمر الذي أراد فقال: اللهم بين لنا في الخمر فنزلت: ﴿ويسألونك عن الخمر والميسر قل فيهما إثم كبير و منافع للناس﴾. الآية. فدعا النبي ﷺ عمر فتلاها عليه فكأنها لم توافق من عمر الذي أراد فقال: اللهم بين لنا في الخمر فنزلت: ﴿يا أيها الذين آمنوا إنما الخمر و الميسر و الأناصب و الأزلام رجس من عمل الشيطان فاجتنبوه﴾. حتى انتهى إلى قوله: ﴿فهل أنتم منتهون﴾. فدعا النبي ﷺ عمر فتلاها عليه فقال عمر: انتھینا یا رب. ربيع الأبرار، ج ۴، ص ۵۱ به نقل از تفسیر برهان، ج ۳، ص ۳۵۵؛ تفسیر البرهان، ج ۲، ص ۳۵۵، ح ۱۲/۳۲۸۲، الغدير، ج ۶، ص ۲۵۳، ح ۴.





﴿كَلَّا إِنَّ الْإِنْسَانَ لِرَبِّهِ لَكَنُفٍ﴾ (علق: ۹۶: ۶-۷) است تحقق بیشتری دارد؛ لذا این سؤال پیش می‌آید که: پس اضافه در آمد یا مالهای کلان و گاه بی مصرف و انباشته را چه باید کرد؟ بی تناسب نیست که گفته شود: به جای صرف در امور لغو و باطل و خلاف شرع و عقل و سرگرمی های زشت و ناپسند بایستی در راه خیر و امور عام المنفعه - برابر مقررات دین - به مصرف رساند و لذا، فرمود:

﴿وَيَسْأَلُونَكَ مَاذَا يُنْفِقُونَ قُلِ الْعَفْوُ﴾ (۲۱۹).

تو را می‌پرسند که چه مقدار هزینه و انفاق کنند، بگو: زیادی را.

باید دانست که به زیادی هر شیء در لغت اطلاق «عفو» کنند، هم چنین «عفو»، آن مقدار از مال را گویند که: انفاقش ساده و آسان باشد و به صورت میانه و اعتدال. نه به طور کامل و تمام، یا مقدار و مبلغی معتدبه و بسیار زیاد، که گذشت و انفاقش سخت و مشکل است.

در روایتی از امام صادق علیه السلام در تفسیر مجمع است که:

ان العفو الوسط من غير اسراف و لا اقتار. عفو عبارت از مقدار میانه و وسطی است که نه زیاده روی را شامل است و نه بخل و امساک.<sup>۱</sup>

و نیز، از امام باقر علیه السلام در تفسیر برهان است که فرمود:

العفو مافضل عن قوة السنه. عفو مقداری است که سرآمد و اضافه از معونه و خوراك و هزینه سال باشد.<sup>۲</sup>

و لذا، انفاق مال به نحوی نیست که شخص خود را به عسرت و یا هلاکت افکند، چنان که این معنا در مواردی متعدد از قرآن یاد شده نظیر:

### [انفاق و بیان آن توسط آیات]

۱. ﴿وَأَنْفِقُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا تُلْقُوا بِأَيْدِيكُمْ إِلَى التَّهْلُكَةِ﴾ (بقره: ۲: ۱۹۰).

در راه خدا نفقه کنید ولی خویشتان بدست خود به هلاکت میفکنید. که مصداقی از معنی آیه است.

۱. تفسیر مجمع البیان، ج ۲، ص ۵۵۸.

۲. همان؛ تفسیر البرهان، ج ۱، ص ۴۵۷ ح ۶/۱۱۲۷.



۲. ﴿وَلَا تَجْعَلْ يَدَكَ مَغْلُولَةً إِلَىٰ عُنُقِكَ وَلَا تَبْسُطْهَا كُلَّ الْبَسْطِ فَتَقْعُدَ مَلُومًا مَّحْسُورًا﴾ (اسراء (۱۷): ۹۲).

دست خود را بگردن خویش بسته مدار [که کنایه از امساک و نم پس ندادن است] و آن را بگشودنی تمام مگشای [کنایه از این که همه را بذل و بخشش مکن] پس در این حال به صورتی حسرت زده و ملامت وار بنشین.

۳. یا در توصیف عباد الرحمن فرماید که:

﴿وَالَّذِينَ إِذَا أَنْفَقُوا لَمْ يُسْرِفُوا وَلَمْ يَقْتُرُوا وَكَانَ بَيْنَ ذَلِكَ قَوَامًا﴾ (فرقان (۲۵): ۶۷).

و کسانی که چون انفاق کنند نه زیاده روند و نه بخل و امساک بورزند، بلکه میان این دو راهی میانه و معتدل پیشه گیرند.

﴿كَذَلِكَ يَبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ الْآيَاتِ لَعَلَّكُمْ تَتَفَكَّرُونَ﴾ (۲۱۹).

این گونه خداوند برای شما بیان آیات می کند، تا مگر اندیشه کنید. یعنی: همین طور که نسبت به سود و زیان و مضار و گناه قمار و شراب و دستور انفاق شرحی برفت به همین نحو برای شما آیات و احکام را خداوند بیان می کند، تا مگر فکر و اندیشه خود را بکار برید.

﴿فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ﴾ (۲۲۰).

در امور دنیا و آخرت. جار و مجرور یا متعلق است به فعل ﴿يَبَيِّنُ﴾ یعنی: خداوند بیان آیات می کند در امور این سرا و آن سرا. یا متعلق است به ﴿تَتَفَكَّرُونَ﴾ که اقرب است. یعنی: تا مگر شما در امر این جهان و جهان بعد بیندیشید و دریابید که احکام الهی چون منع خمر و میسر و یا دستور انفاق نسبت به زیادی و سر آمد مال، یا گذشت و بخشش به صورت میانه و اعتدال چه آثاری را در بهبود وضع شما در هر دو جهان متضمن است. زیرا، اگر نیکو بیندیشید می یابید، که مبادرت به اعمال و کردار نکوهیده و ناروا چون شرب خمر و آلودگی به قمار، یا امساک در انفاق و انباشتن سرمایه، یا همه را بخشیدن و جنبه افراط و زیاده روی داشتن، چه مصیبات و مفساسدی را از قبیل: حسرت و ملامت یا دشمنی و کینه، طغیان و سرکشی، زوال عقل و شعور، جنایت و خیانت، نابودی سرمایه و اموال، انحرافات روحی و اخلاقی، فرهنگی و



اجتماعی، اقتصادی و سیاسی، صدمات جسمی و نسلی، فراموشی از یاد خدا و نماز و بالاخره انقلابات بلارویه و کشتارهای دسته جمعی و هزاران مفسده دیگر، متضمّن است که با اندیشه و به کار بستن فکر و عقل از اقدام یا ادامه به چنین اعمال ناشایست می توان منتهی شد و به کردار ناپسند پایان داد.

پرسش بعدی در مورد یتیمان است باید گفت: که یکی از بهترین گذشت و انفاقات هنگامی است که درباره کودکان پدر مرده مرعی شود، زیرا یتیمان، پدر دلسوز و سرپرست خود را از دست داده اند و لازم است که از نظر معیشت و تعلیم و تربیت مورد مهر و محبت مردم مسلمان واقع شوند و حقوق آنان به طور کامل رعایت شده و تا دوران بلوغ و رشد عقل اموالشان حفظ و نگهداری و از هر گونه حیف و میل جلوگیری شود. لذا فرمود:

#### ﴿وَيَسْأَلُونَكَ عَنِ الْيَتَامَى﴾

تو رامی پرسند از امر یتیمان. یعنی: درباره مالشان از نظر تصدّی و سرپرستی و نگهداری اموال ایشان.

#### ﴿قُلْ إِصْلَاحٌ لَّهُمْ خَيْرٌ﴾

بگو: به صلاح در آوردن و سامان بخشیدن [اموال] برای ایشان و به سودشان نیکوتر است از این که خویشان کنار کشید و از زیر بار مسئولیت شانه خالی کنید.

#### [اشاره به شأن نزول آیه]

در شأن نزول گفته اند هنگامی که آیه:

﴿إِنَّ الَّذِينَ يَأْكُلُونَ أَمْوَالَ الْيَتَامَىٰ ظُلْمًا إِنَّمَا يَأْكُلُونَ فِي بُطُونِهِمْ نَارًا وَسَيَصْلُونَ سَعِيرًا﴾  
(نساء(۴): ۱۰). همانا کسانی که اموال یتیمان را از روی ستم می خورند، جز این نیست که در شکم های خویش آتش رامی خورند و به زودی در آتش فروزان وارد شوند. و آیه:  
﴿وَأْتُوا الْيَتَامَىٰ أَمْوَالَهُمْ وَلَا تَتَبَدَّلُوا الْخَبِيثَ بِالطَّيِّبِ وَلَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَهُمْ إِلَىٰ أَمْوَالِكُمْ إِنَّهُ كَانَ حُوبًا كَبِيرًا﴾  
(نساء(۴): ۲). و اموال یتیمان را بدهید و ناپاک را با پاک و پست را با

۱. اسباب النزول، ترجمه ذکاوتی، ص ۴۱.

اجتماعی، اقتصادی و سیاسی، صدامات جسمی و نسلی، فراموشی از یاد خدا و نماز و بالاخره انقلابات بلارویه و کشتارهای دسته جمعی و هزاران مفسده دیگر، متضمن است که با اندیشه و به کار بستن فکر و عقل از اقدام یا ادامه به چنین اعمال ناشایست می توان منتهی شد و به کردار ناپسند پایان داد.



پرسش بعدی در مورد یتیمان است باید گفت: که یکی از بهترین گذشت و انفاقات هنگامی است که درباره کودکان پدر مرده مرعی شود، زیرا یتیمان، پدر دلسوز و سرپرست خود را از دست داده اند و لازم است که از نظر معیشت و تعلیم و تربیت مورد مهر و محبت مردم مسلمان واقع شوند و حقوق آنان به طور کامل رعایت شده و تا دوران بلوغ و رشد عقل اموالشان حفظ و نگهداری و از هر گونه حیف و میل جلوگیری شود. لذا فرمود:

#### ﴿وَيَسْأَلُونَكَ عَنِ الْيَتَامَى﴾

تو رومی پرسند از امر یتیمان. یعنی: درباره مالشان از نظر تصدّی و سرپرستی و نگهداری اموال ایشان.

#### ﴿قُلْ إِصْلَاحٌ لَّهُمْ خَيْرٌ﴾

بگو: به صلاح در آوردن و سامان بخشیدن [اموال] برای ایشان و به سودشان نیکوتر است از این که خویشان کنار کشید و از زیر بار مسئولیت شانه خالی کنید.

#### [اشاره به شأن نزول آیه]

در شأن نزول گفته اند هنگامی که آیه:

﴿إِنَّ الدِّينَ يَأْكُلُونَ أَمْوَالَ الْيَتَامَى ظُلْمًا إِنَّمَا يَأْكُلُونَ فِي بُطُونِهِمْ نَارًا وَسَيَصْلُونَ سَعِيرًا﴾  
(نساء: ۱۰). همانا کسانی که اموال یتیمان را از روی ستم می خورند، جز این نیست که در شکم های خویش آتش رامی خورند و به زودی در آتش فروزان وارد شوند. و آیه:  
﴿وَأَتُوا الْيَتَامَى أَمْوَالَهُمْ وَلَا تَتَبَدَّلُوا الْخَبِيثَ بِالطَّيِّبِ وَلَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَهُمْ إِلَى أَمْوَالِكُمْ إِنَّهُ كَانَ حُوبًا كَبِيرًا﴾ (نساء: ۲). و اموال یتیمان را بدهید و ناپاک را با پاک و پست را با

۱. اسباب النزول، ترجمه ذکاوتی، ص ۴۱.



نیکو و مرغوب تبدیل نکنید و اموال ایشان را به ضمیمه مال خود نخورید، که گناهی است بس بزرگ؛ نازل شد، آنها که اداره امور و سرپرستی اموال یتیمان می کردند دست از تصدّی و کار باز کشیده و از خلط و آمیزش و هم کاسگی با یتیمان منصرف شدند. این معنا موجب ناراحتی روحی و تفریط مال یتیم و گاه عامل عقده های روانی برای کودکان پدر مرده بود. لذا، آیه فوق در جهت منع کناره گیری و پیوند اختلاط در خوراک و غذا به عنوان تثبیت و تأیید در دخالت و سرپرستی یتیم نازل شد و به دنبال سامان بخشیدن مال یتیم فرمود که:

﴿وإن تخالطوهم فإخوانکم﴾ (۲۲۰).

و اگر [در اموال و خوراک با ایشان] خلط و آمیزش داشته باشید پس آنان برادران شما هستند.

### [اختلاط مال یتیم با اموال]

یعنی: منعی در این قبیل آمیختگی ها نیست، بلکه موجب وداد و محبّت و در حکم برادری و یگانگی است و در این گونه امور نباید ترس و بیم داشت و نگران از اختلاط در اموال شد.

﴿والله يعلم المفسد من المصلح﴾.

و خداوند تبه کار و فساد انگیز را از خیر اندیش و سامان بخش باز شناسد. یعنی: اگر در آمیختگی و یکی ساختن غذا یا مال خود با آنان نظر افساد و یا اصلاحی داشته باشید خدا به دلها دانا است و در این صورت به حساب هر کس در دنیا و آخرت می رسد. در واقع بیان تهدیدی است که سرپرستان یتیمان همواره رعایت مال و حال ایشان بنمایند.

﴿ولو شاء الله لاعتکم﴾

و اگر خدا خواهد هر آینه شما را به رنج افکند.

یعنی: مشیّت بالغه اش این گونه قرار نگرفت که شما در دستور و احکام صادره به رنج و تعب افتید، مثلاً علی الاطلاق نفرمود که به نزدیک مال یتیم نروید، یا با آنان هم

کاسگی نکنید، بلکه اختلاط اصلاحی را مورد تجویز و رضایت قرار بداد.

### ﴿إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ﴾.

همانا خداوند چیره درستکار است [در امور تکوین و تشریح].

من جمله در تعیین احکام تشریحی می تواند که سخت و یا آسان گیرد، ولی چون حکیم و درستکار است فرمان و حکم را بر وفق صلاح و سعادت بشر نازل ساخته و بر بندگان تکلیف مالایطاق نمی کند.

و اینک حدیثی چند درباره آیات:

۱. در کافی به نقل از تفسیر جامع از رسول اکرم ﷺ و امام صادق و امام باقر علیهم السلام در

مضامین برخی از احادیث آمده است که:

هر مایع که مستی آورد در حکم خمر و اندک و بسیار آن حرام و خرید و فروش یا هر نوع انتفاع دیگر از آن نیز، حرام است و شراب خوار را در روز رستاخیز از صدید و حمیم دوزخ [مایع بد بو و زننده و کثیف و داغ] بخوراند و با صورتی سیاه و چشمی کبود به محشر وارد شود.<sup>۱</sup>

۲. و نیز گفته اند که: «شراب کلید درِ خانه ای است که محرّمات و فساد و جنایت و

۱. عدة من أصحابنا، عن سهل بن زياد، عن عمرو بن عثمان، عن الحسين بن سدير، عن أبيه، عن أبي جعفر عليه السلام قال: «يؤتي شراب الخمر يوم القيامة مسودا وجهه مدلعا لسانه يسيل لعابه على صدره وحق على الله عز وجل أن يسقيه من طينة خيال أو قال: من بئر خيال، قال: قلت: وما بئر خيال؟ قال: بئر يسيل فيها صدید الزناة... ص ۳۹۶، ح ۳».

عدة من أصحابنا، عن أحمد بن محمد بن عيسى، عن الحسين بن سعيد، عن الحسين بن علوان، عن عمرو بن خالد، عن زيد بن علي، عن آبائه عليهم السلام قال: «لعن رسول الله ﷺ الخمر وعاصرها ومعتصرها وباعها ومشتريها وساقيتها وأكل ثمنها وشاربها وحاملها والحمولة إليه، ص ۳۹۸، ح ۱... فقال لي: استوص به خيرا واقتره مني السلام وقل له يقول لك جعفر بن محمد: انظر شرابك هذا الذي تشربه فإن كان يسكر كثيرا فلا تقرن قلبه فإن رسول الله ﷺ قال: كل مسكر حرام، وقال: ما أسكر كثيرا فقليله حرام»، ص ۴۱۱، ح ۱۶.

محمد بن يحيى، عن أحمد بن محمد، عن محمد بن إسماعيل، عن حنان بن سدير قال: «سمعت رجلا وهو يقول لأبي عبد الله عليه السلام: ما تقول في النبيذ قال: قال رسول الله ﷺ: كل مسكر حرام وما أسكر كثيرا فقليله حرام، ص ۴۱۵، ح ۱... فقال أبو عبد الله عليه السلام: قال رسول الله ﷺ: كل مسكر حرام...»، ص ۴۱۷، ح ۶.

قال لهم رسول الله ﷺ: «أفيسكر؟ فقالوا: نعم فقال: كل مسكر حرام وحق على الله أن يسقي شراب كل مسكر من طينة خيال، أفندرون ما طينة خيال؟ قالوا: لا، قال: صدید أهل النار»، ص ۴۱۸، ح ۷. الكافي، ج ۶، ص ۳۹۶-۴۱۸؛ تفسیر جامع، ج ۱، ص ۳۲۴-۳۲۵.





شرارت در آن جای گرفته»<sup>۱</sup> و در کافی در مضمون حدیثی از حضرت باقر علیه السلام است که فرمود:  
 «هنگامی که آیه **یسألونک عن الخمر والمیسر** نازل شد در حضور حضرت پرسش کردند، ای رسول خدا قمار به چیست؟ فرمود: هر چیزی که در آن برد و باخت شود.<sup>۲</sup>  
 و در برخی احادیث تخته نرد و شطرنج را نیز از وسائل قمار شمرده اند.<sup>۳</sup> پرسیدند انصاب کدام است؟ فرمود: «حیوانی که برای بتان ذبح شود». <sup>۴</sup> در تفسیر برهان از کاهلی نقل است که به امام صادق علیه السلام عرض شد:

ما بر برادران خود به خانه یتیمانی وارد می شویم که با آنها خادمی است که خدمتگزاری یتیمان کند و ما روی فرش ایشان نشستیم آب می نوشیم و خادم یتیمان، ما را نیز خدمت می کند و بسا از خوراکی که نزد دوست ما است و آمیخته به خوراک و مال یتیم است می خوریم در این باره چه فرمایید؟ فرمود: اگر ورود شما به سود یتیمان است اشکالی ندارد و اگر در آن زیانی است پس مجوزی نیست و قرائت آیه فرمود: **بل الإنسان علی نفسه بصیرة** ﴿قیامت (۷۵): ۱۴﴾ بلکه آدمی بر نفس خویش بینا است [و بر شما نیز پوشیده نیست و همانا خدای عزوجل فرمود: اگر با ایشان آمیختگی و هم کاسگی کنید پس آنان برادران شما هستند و خداوند فساد انگیز و تبه کار را از خیراندیش و نیکو کار باز شناسد].<sup>۵</sup>

در همان تفسیر روایتی از سماعه از امام صادق علیه السلام است که آیه فوق مورد گفتگو

۱. عدة من أصحابنا، عن أحمد بن أبي عبد الله، عن أبيه، ومحمد بن عيسى، عن النضر بن سويد، عن يعقوب بن شعيب، عن أبي بصير، عن أحدهما علیهما السلام قال: «إن الله عزوجل جعل للمعصية بيتا، ثم جعل للبيت بابا، ثم جعل للباب غلقا، ثم جعل للغلق مفتاحا فمفتاح المعصية الخمر». الكافي، ج ۶، ص ۴۰۳، ح ۶.  
 ۲. أبو علي الأشعري، عن محمد بن عبد الجبار، عن أحمد بن النضر، عن عمرو بن شمر، عن جابر، عن أبي جعفر علیه السلام قال: «لما أنزل الله عزوجل على رسول الله صلی الله علیه و آله إنما الخمر والميسر والأنصاب والأزلام رجس من عمل الشيطان فاجتنبوه». قيل: «يا رسول الله ما الميسر؟ فقال: كل ما تقوم به حتى الكعبان والجوز، قيل: فما الأنصاب؟ قال: ما ذبحوه لألهتهم قيل: فما الأزلام؟ قال: قداحهم التي يستقسمون بها». الكافي، ج ۵، ص ۱۲۲-۱۲۳، ح ۲.

۳. وقال علیهما السلام: «وإياكم وهاتين الكعبتين المرسومتين، فإنهما من ميسر العجم». مستدرک الوسائل، ۱۳: ۲۲۴، ح [۱۵۱۹۵] ۱.

۴. الكافي، ج ۵، ص ۱۲۲ ح ۲.

۵. عنه: بإسناده عن أحمد بن محمد، عن علي بن الحكم، عن عبد الله بن يحيى الكاهلي، قال: قيل لأبي عبد الله علیه السلام: «إنا ندخل على أخ لنا في بيت أيتام، و معهم خادم لهم، فنقعد على بساطهم، و نشرب من مائهم، و يخدمنا خادمهم، و ربما طعمنا من الطعام من عند صاحبنا و فيه من طعامهم، فما ترى في ذلك؟ فقال: إن كان دخولكم عليهم منفعة لهم فلا بأس، و إن كان فيه ضرر فلا». وقال: **بل الإنسان علی نفسه بصیرة** ﴿قیامت (۷۵): ۱۴﴾. و أنتم لا يخفى عليكم، و قد قال الله عزوجل: **و إن تخالطوهم فإخوانكم و الله يعلم المفسد من المصلح**. تهذيب الاحكام، ج ۶، ص ۳۳۹، ح ۶۸؛ تفسیر البرهان، ج ۱، ص ۴۵۹، ح ۴/۱۱۳۱.

قرار می گیرد حضرت فرمود:

منظور، آمیختگی و آمیزش با یتیمان است. و می فرمود: شخصی که در خانه اش یتیمی را سرپرستی اموال می کند، باید از مال خود به قدری که هر انسان خارج می کند جدا کرده و با مال یتیم مخلوط و آن گاه با هم صرف غذا و خوراک کنند، در حالی که هیچ تنقیص و زیانی در این آمیختگی به اموال یتیم وارد نشود، که اگر کم و کاستی صورت گرفت بداند که در آن آتش است.<sup>۱</sup>

در روایتی دیگر است که امام صادق علیه السلام فرمود:

از مال یتیمان به میزانی که نیاز دارند و از مال خود به قدری که کفایت حال تو را کند، خارج ساخته و سپس به هم مخلوط و به صرف خویش و آنان می سازی.<sup>۲</sup> باری در این معنی روایت فراوان آمده است.

\*\*\*

**﴿وَلَا تَنْكِحُوا الْمُشْرِكَاتِ حَتَّىٰ يُؤْمِنَ وَلَا مِمَّنْ وَوَلَامَةَ مُؤْمِنَةٍ خَيْرٌ مِنْ مَشْرَكَةٍ وَلَوْ أَعْجَبَتْكُمْ وَلَا تَنْكِحُوا الْمُشْرِكِينَ حَتَّىٰ يُؤْمِنُوا وَلَعَبْدٌ مُؤْمِنٌ خَيْرٌ مِنْ مُشْرِكٍ وَلَوْ أَعْجَبَكُمْ أُولَٰئِكَ يَدْعُونَ إِلَى النَّارِ وَاللَّهُ يَدْعُو إِلَى الْجَنَّةِ وَالْمَغْفِرَةِ بِإِذْنِهِ وَبَيِّنَ آيَاتِهِ لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ﴾ (۲۲۱).**  
با زنان مشرک ازدواج نکنید، تا این که ایمان آورند و هر آینه کنیز با ایمان نیکوتر است از زن [آزاد] بت پرست و لو [زیبائی یا جهات دیگر وی] شما را به شگفتی آورد و

۱. الشیخ: یاسناده عن أحمد بن محمد، عن عثمان بن عیسی، عن سماعة، قال: سألت أبا عبد الله علیه السلام عن قول الله عزوجل: ﴿وإن تخالطوهم فإخوانکم﴾. قال: یعنی الیتامی، إذا كان الرجل یلی الیتام فی حجره فلیخرج من ماله علی قدر ما یحتاج إلیه، علی قدر ما یخرجه لكل إنسان منهم، فیخالطوهم، و یأکلون جمیعا، و لا یرزان من أموالهم شیئا، إنما هی النار. تهذیب الاحکام، ج ۶، ص ۳۴۰، ح ۹۴۹؛ تفسیر البرهان، ج ۱، ص ۴۵۸، ح ۳/۱۱۳۰.

۲. أحمد بن محمد: عن محمد بن الفضیل، عن أبي الصباح الكناني، عن أبي عبد الله علیه السلام، فی قول الله عزوجل: ﴿و من كان فقیرا فلیأکل بالمعروف﴾. قال: ذلك رجل یحبس نفسه عن المعیشة، فلا بأس أن یأكل بالمعروف، إذا كان یصلح لهم أموالهم فإن كان المال قلیلا فلا یأكل منه شیئا. قال: قلت: رأیت قول الله عزوجل: ﴿وإن تخالطوهم فإخوانکم﴾؟ قال: تخرج من أموالهم قدر ما یكفیهم، و تخرج من مالک قدر ما یكفیک، ثم تنفق. قلت: رأیت إن كانوا یتامی صغارا و كبارا، و بعضهم أعلى کسوة من بعض، و بعضهم آكل من بعض، و ماله جمیعا؟ فقال: أما الكسوة، فعلى كل إنسان منهم ثمن کسوته، و أما الطعام فاجعلوه جمیعا، فإن الصغیر یوشك أن یأكل مثل الكبير. الکافی، ج ۵، ص ۱۳۰، ح ۵.

